

به نام خدا

مبانی نظام جمهوری اسلامی

(در نگاه مذهب شیعه)

مؤلف :

حجت الاسلام روح اله خضری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



chaponashr.ir



www.arsuto.com



سرشناسه : خضری، روح اله، ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآور : مبانی نظام جمهوری اسلامی (در نگاه مذهب شیعه) / مولف: روح اله خضری
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۳۸۸-۹
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : مبانی نظام جمهوری اسلامی
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۶۳۲۵۶۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : مبانی نظام جمهوری اسلامی (در نگاه مذهب شیعه)

مولف : حجت الاسلام روح اله خضری

ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۵

چاپ : زبرجد

قیمت : ۱۳۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۳۸۸-۹

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



chaponashr.ir



iranjournal.com



فهرست

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
بخش اول.....	۹
اولین وظیفه.....	۱۲
دومین وظیفه.....	۲۱
نقل داستانی از شهید دکتر مصطفی چمران.....	۲۱
سومین وظیفه.....	۲۶
تذکره:.....	۲۶
بخش دوم.....	۲۹
فتوای شارع مقدس.....	۲۹
نکته اول:.....	۳۳
نکته دوم:.....	۳۵
نکته سوم:.....	۳۹
نقل داستانی، برای درک ریاکاری و در ضمن آن دست درازی و چپاول مناصب و ثروت ها.....	۴۵
اولین فرق: مشروعیت.....	۴۸
نقل دو داستان، برای درک اهمیت مشروع بودن حکومت.....	۴۹
نقل داستانی، برای اثبات این مدعا.....	۵۵

- دومین فرق: وجود و ایجاد شرایط رسیدن به سعادت ابدی ۵۷
- سومین فرق: مردم پایه بودن ۵۹
- فرق های دیگر: ۶۰
- عدالت و فقاہت رهبری نظام ۶۰
- تذکرہ: ۶۱
- نکته اول: تا زمانی کہ مفسد، خود را مصلح می داند. ۶۲
- نقل داستانی، برای درک لزوم خودسازی در همه ابعاد جامعه، به خصوص زندگی فردی و خانوادگی ۶۷
- نکته دوم: تا زمانی کہ انتظارات بیجا هست ۷۱
- نقل داستانی، برای درک فاصله گرفتن مردم و ... از به خصوص، فسادهای پنهان ۷۴
- نکته سوم: تا وقتی، آحاد مردم یک بام و چند هوا هستند ۷۷

پیشگفتار

امروز در شرایطی هستیم که بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد و ملت سرافراز ایران مشکلات و فتنه‌های زیادی را پشت سر گذاشتند و علی‌رغم ریزش‌های فراوان، از همه آن مشکلات سربلند بیرون آمدند. لکن چیزی که همیشه در حکم آتش زیر خاکستر بوده و تقریباً هیچگاه به صورت ویژه به آن پرداخته نشده، تشریح مبانی نظام اسلامی در نگاه قرآن و روایات، به خصوص روایات شیعه بوده است.

و به نظر می‌آید که اگر بیشتر به این مهم پرداخته می‌شد، شاهد ریزش‌ها و شاید فتنه‌های کمتری در کشور می‌بودیم، زیرا وقتی آحاد مردم با اصول مکتب و نظام اسلامی آشنا باشند و وظایف خود را نسبت به نظام اسلامی بشناسند، بهتر و بیشتر و راحت‌تر همراهی می‌کنند و چگونه ممکن است مردمی که دلایل و براهین مکتبی را فهمیدند، از حمایت آن دست برمی‌دارند؟!

و ما در این نوشتار، بنا داریم با زبانی صریح و با اسلوبی مناسب برای درک عموم مردم، و مناسب برای مبلغین محترم در سراسر کشور، برای ارائه دادن در مناسبت‌هایی مثل ایام محرم و ماه مبارک رمضان، به این مسأله بپردازیم.

«بَعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ تَوْفِيقِهِ»

مقدمه

یکی از سؤالات مهم در هر زمانی این است که چرا خداوند برای تربیت انسان ها، از زمان هبوط حضرت آدم علیه السلام تا امروز که حدود ۱۲ هزار و ۵۰۰ سال شده است^۱، این همه هزینه داده است؟

هزینه هایی که شاید توصیف بعضی از آنها، فوق طاقت انسان باشد و هرکسی، یارای مقاومت در برابر آنها را ندارد. در اینجا به یک نمونه اشاره می کنیم؛ امام صادق علیه السلام درباره کیفیت تولد حضرت موسی علیه السلام و حفظ آن مولود توسط خداوند فرمودند:

فَلَمْ يَزَلْ يَأْمُرُ (فرعون) أَصْحَابَهُ بِشِقِّ بَطْنِ الْحَوَامِلِ مِنْ نِسَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَتَّى قَتَلَ فِي طَلَبِهِ نَيْفًا وَعِشْرُونَ أَلْفَ مَوْلُودٍ وَتَعَذَّرَ عَلَيْهِ الْوُصُولُ إِلَى قَتْلِ مُوسَى بِحِفْظِ اللَّهِ تَعَالَى إِيَّاهُ ...^۲

فرعون دائماً به مأموران‌ش دستور می داد، شکم زن های باردار از بنی اسرائیل را پاره کنند تا آنجا که بیش از بیست و چند هزار مولود در طلب موسی علیه السلام

^۱ علامه مجلسی نقل کرده است: وَلَدَ رَسُولُ اللَّهِ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فِي شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ لِسَبْعَةِ عَشَرَ مِثْنَةً فِي سَنَةِ تِسْعَةِ آلَافٍ وَتِسْعِمِائَةٍ وَأَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَسَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنْ وَفَاةِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (بحارالانوار / ج ۱۵ / ص ۲۸۷)
ترجمه: پیامبر قبل از طلوع فجر، در روز جمعه، ۱۷ ماه ربیع الاول، و ۹۹۰۰ سال و ۴ ماه و ۷ روز بعد از وفات آدم متولد شد. و اگر این عدد را به سن حضرت آدم که به نقل روایات ۹۴۰ سال بوده، اضافه کنیم و حاصل آن را با تاریخ قمری، یعنی ۱۴۴۷ سال و ۱۳ سال رسالت پیامبر، قبل از هجرت و ۴۰ سال، سن پیامبر، قبل از بعثت اضافه کنیم، می شود ۱۲ هزار و ۳۴۰ سال و ۴ ماه و ۷ روز.

^۲ الغیبه / شیخ طوسی رحمه الله / صفحه ۳۲۹

السلام کشته شدند، اما به خاطر حفظ آن مولود توسط خداوند، نتوانست موسی را به قتل برساند.

بله، همه این هزینه ها برای این بوده که آحاد انسان ها در راستای این زحمات و فداکاری ها، به معرفت خدای سبحان رسیده و به قلّه کمال انسانی و سعادت ابدی راه یابند. و خداوند در آیات قرآن به بعضی از آن زحمات و روش های تربیتی اشاره کرده است و ما در بخش اول این نوشتار، به آنها اشاره کرده و مطالبی را تقدیم می داریم.

بخش اول

خدای سبحان در آیه ۱۵۷ سوره اعراف، اهمّ تلاش های انبیاء را اینگونه معرفی کرده و می فرماید: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ...

فرمود: انبیاء (و به خصوص نبیّ خاتم صلی الله علیه و آله) سه وظیفه مهم را تحقق بخشیدند و همه پیروان او، همین اوصاف را از او در تورات و انجیل هم یافته بودند (و می دانستند که او صاحب این اوصاف می باشد)، از جمله؛
۱: يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ با امر به معروف و نهی از منکر، منکرات را از بین برد و معروف ها و مشروع ها را احیا کرد.

۲: يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ؛ طیبیات را به عنوان غذای مشروع قرار داد و با تحریم خبائث، همگان را از غذاهای ناپاک و مشمئز کننده جدا کرد.

۳: وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ با معرفی باطن و حقیقت اشیاء، آنها را از خرافات و عقائد پوچ و دست و پا گیر آزاد نمود.

بله، اینها اهمّ فعالیت های انبیاء، و به خصوص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بعد از تشکیل حکومت بوده که درطول بیست و سه سال رسالت و یا ده سال حکمرانی خود در مدینه انجام داده اند تا مردم آن عصر و همه اعصار را به قلّه های کمال و سعادت برساند.

اما سؤال اینجاست که آیا انبیاء و پیامبر اسلام در انجام این وظایف، موفق بودند؟ آیا توانستند این وظایف را به نحو اتمّ و بدون شائبه انجام دهند؟

آیا بعد از پیامبر و حتی در زمان حکمرانی ایشان، هیچ منکری وجود نداشت؟
آیا بعد از پیامبر و یا حتی در زمان حکمرانی ایشان، هیچ کس از خبائث استفاده نکرد؟ آیا بعد از پیامبر و یا حتی در زمان حکمرانی ایشان، هیچ خرافاتی در بلاد اسلامی آن روز وجود نداشت؟^۱

بر اساس این آیه و سؤالاتی که مطرح شد، آیا می توان گفت: یا خداوند

^۱ این سؤالات به این دلیل بیان شد که در منابع تاریخی، موارد فراوانی دیده شده که به وضوح نشان می دهد اهداف بیان شده در آیه ۱۵۷ سوره اعراف به شکل تام و تمام محقق نشده است. (چه در زمان رسالت و حکمرانی پیامبر اسلام و چه در زمان فعالیت ائمه شیعه علیهم السلام)

در اینجا از هر کدام، نمونه ای را ذکر می کنیم:

- در باب امر به معروف و نهی از منکر، آیا دیگر دروغی گفته نشد؟ و آیا به نامحرمی نگاه حرام نیفتاد؟ و

- در باب تحریم خوردن خبائث، آیا کسی سراغ رشوه و قمار و شراب نرفت؟

پیشنهاد می شود داستان سید حمیری، از اصحاب خوب امام صادق علیه السلام مطالعه شود، کسی که درباره اش گفته شده: اُنْتَهیَ عِلْمُ الْأَوَّلینَ وَالْآخِرینَ إلی أَرْبعه أَثْفَار؛ سلمان الفارسی، جابر بن عبدالله انصاری، سید حمیری و یونس بن عبدالرحمن. (معجم رجال الخوئی /

ج ۳ / ص ۱۸۰)

* اما او (سید حمیری) در برهه ای مبتلا به شرب خمر هم بوده است و وقتی مثل او چنین بود، نسبت به دیگران چه باید گفت؟!

- در باب حذف خرافات و ...، آیا تعصب عرب بر عجم از بین رفت؟ و آیا و آیا و آیا؟

گزارش دروغ و خلاف واقع داده و یا انبیاء به درستی به وظایف خود عمل نکردند؟

بله، چاره ای نیست جز اینکه، یا این سوالات و اشکالات را بپذیریم و یا اینکه آیات را به شکل دیگری معنا کنیم.

همانگونه که از کُنه عقیده، معتقدید که وارد کردن نقص، به انبیاء و مجاهدت های آنها، اشتباه می باشد، باید بپذیریم که اگر اشکالی در فضای حکمرانی انبیاء هست، به کم کاری ها و عملکردها و انتخاب های مردم برمی گردد و نقصی به ساحت انبیاء و اراده های خدای سبحان وارد نیست^۲، لذا خداوند در همین آیه ۱۵۷ سوره اعراف، در جهت تحقق اهداف انبیاء، وظایفی را

پاسخ به این سوالات، به آحاد مردم در نظام جمهوری اسلامی کمک می کند تا راحت تر درک کنند؛

- هدف انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به رهبری ولی فقیه، یک مسأله است و عملکرد دولت منتخب مردم، یک مسأله دیگر.
- مردم می توانند در مدیریت کشور دخالت جدی داشته باشند و رهبران شیعه، به دنبال چنین مردمی هستند.
- بسیاری از مشکلات موجود در کشور و نظام، به دلیل دخالت های دشمنان و افراد نفوذی و نابخرد داخلی است.
- مشکلات کشور (و اساساً مشکلات عالم ماده و دنیا) تمام شدنی نیست. - هر یک از آحاد مردم، در کنار امام جامعه (و مسئولین نظام) و وظایفی دارند و اگر هر کدام به وظایف خود عمل نکنند، به نتیجه مطلوب نمی رسیم.
- شبهات و اشکالاتی که امروزه درباره امام جامعه وجود دارد، درباره پیامبر و ائمه شیعه علیهم السلام نیز وجود داشت. نه به این معنا که اشکال موجود، نقضی بر امام جامعه بوده است، بلکه به این
- معنا که این سؤال و شبهه در ذهن بعضی افراد بوده ولی سؤال و شبهه، از اساس غلط بوده است.
- همانگونه که امروزه، دیربازی از شبهات صدر اسلام، مردم آن روزگار را محکوم می کنیم، آیندگان نیز درباره بسیاری از شبهات امروز، مردم امروز را محکوم می کنند.

..... و

٢ به دليل آيه؛ فَاِنَّمَا عَلَى رُسُلِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِين (تغابن/ ١٢) و آيه؛ فَاِنْ اَعْرَضُوا فَمَا اَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا اِنْ عَلَيْكَ اِلَّا الْبَلَاغُ (شورى/ ٤٨) و آيه؛ و مَا عَلَيْنَا اِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِين (يس/ ١٧)

متوجه مردم و مؤمنین قرار می دهد و ما در این بخش به آن وظایف اشاره هایی خواهیم داشت.

اولین وظیفه

خدای سبحان در بیان اولین وظیفه پیروان انبیاء به بحث ایمان اشاره کرده و فرمود: **فَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ ...** اولئك هم المفلحون؛ این اهل ایمان (به انبیاء و اهداف و دستورات و نیات و آرمان های آن ها) هستند که به فلاح و سعادت می رسند.

لکن در این مختصر می خواهیم اقسام مؤمنین در نگاه قرآن را بررسی، و مؤمن مورد تأیید خدای سبحان را معرفی کنیم تا ایمان عاریه ای و معامله ای و مشارطه ای بعضی مدعیان را که بسا عامل ایجاد نقص در وصول جامعه ی اسلامی به آن آرمان ها هستند را شناسانده، و در مدار آن مؤمن مورد تأیید قرآن قرار گیریم و راه سعادت را بپیماییم^۱.

خداوند در آیات مختلف، سطح ایمان افراد را اینگونه برای تاریخ بشر ترسیم می کند:

^۱ سخن در این است که بعضی مؤمنین، به دلیل بعضی نقص ها، مشکلاتی را برای وصول جامعه اسلامی به آرمان هایش ایجاد می کنند. معنای این کلام، مبراً دانستن غیر مؤمنین در ایجاد آن مشکلات نیست، بلکه وقتی از اشکالات مؤمنین سخن گفته می شود، باید دانست که مشکلاتی که مخالفین و معاندین و ... برای جامعه اسلامی ایجاد می کنند، به مراتب بیشتر و مخرب تر است.

۱: مؤمنی که ظاهر و باطنش با دین و امام جامعه هست، ولی گاهی می لغزد در شأن نزول آیه ۱۱۷ سوره توبه^۱ آمده که این آیه درباره غزوه تبوک و مشکلات طاقت فرسای مسلمانان در آن جنگ نازل شده است. مشکلاتی مثل بُعد مسیر و گرمای شدید و که گروهی را بر آن داشت تا تصمیم به بازگشت بگیرند، اما لطف خداوند آنها را ثابت قدم نگه داشت و بسیاری از حضور در سپاه اسلام سر باز زدند.

از جمله ی آن ها، شخصی است به نام أبوخیثمه که از یاران پیامبر بود، ولی دچار تزلزل شد و به سمت تبوک نرفت.

ده روز از این واقعه و تخلف او گذشت و او در حالی که زیر سایه بان درختان خانه اش، از خنکای سایه درخت لذت می برد و همسرش برای او آب خنک و طعام خوبی مهیا کرد، به یاد پیامبر افتاد و با خودش گفت: رسول خدا که هیچ گناهی ندارد و خداوند گذشته و آینده او را تضمین کرده است، حالا باید در میان بادهای سوزان بیابان اسلحه به دوش گرفته و رنج سفر دشوار را به خود تحمیل کند و أبوخیثمه در سایه خنک و در کنار غذای آماده و زنان زیبا باشد؟!

این انصاف نیست.

^۱ تفسیر نمونه / ذیل آیه مذکور

بعد قسم خورد تا به پیامبر نرسید، با زنان خود حرف هم نزنند و رفت تا به پیامبر رسید. و وقتی رسید و ماجرا را برای پیامبر تعریف کرد، حضرت نیز برایش دعا کرد (و او را پذیرفت).

۲: مؤمنی که باطنش با پیامبر و نظام اسلامی هست ولی به سختی همراه می شود

ذیل آیه ۱۱۸ سوره توبه آمده است^۱؛ سه نفر از مسلمانان به نام های کعب بن مالک، مراره بن ربیع و هلال بن امیه از شرکت در جنگ تبوک و همراهی پیامبر سر باز زدند (نه به خاطر نفاق، بلکه به دلیل غلبه هوای نفس)

وقتی پیامبر از تبوک به مدینه بازگشت، به حضور حضرت آمدند و عذرخواهی کردند، اما پیامبر حتی یک جمله هم با آنها سخن نگفت و به مسلمانان دستور داد تا احدی با آنها سخن نگوید. آنها در یک محاصره عجیب اجتماعی قرار گرفتند، تا جایی که حتی کودکان و زنان آنها نزد پیامبر آمدند و خواستند تا جدا شوند ولی پیامبر دستور داد: به آنها نزدیک نشوند. فضای مدینه با تمام وسعتش چنان برای آنها تنگ شد که مجبور شدند برای نجات از رسوایی و آن ذلت، شهر را ترک کنند.

مدتی گذشت. کعب بن مالک می گوید: یک روز در بازار مدینه با ناراحتی نشسته بودم که دیدم یک مسیحی سراغ مرا می گیرد و وقتی مرا شناخت،

^۱ تفسیر نمونه / ذیل آیه مذکور

نامه ای از پادشاه غسان به دست من داد که در آن نوشته بود: اگر صاحب تو را رانده، به سوی ما بیا.

حال من منقلب شد و گفتم: ای وای! کارم به جایی رسیده که دشمنان در من طمع کردند.

مدتی از این ماجرا گذشت تا اینکه یک از آن سه نفر به دیگران گفت: حالا که مردم از ما قطع رابطه کردند، خوب است ما هم از هم قطع رابطه کنیم زیرا اگرچه هر سه تایی ما گناه کردیم ولی نباید از گناه دیگری راضی باشیم. این کار را هم کردند و بعد از ۵۰ روز توبه و تضرع، توبه آنها قبول شد.

۳: مؤمن با نفاق ضعیف یا تدین ضعیف (مثل افرادی که نسبت به خدا و پیامبر سطحی باورند)

ذیل آیات ۱۱ تا ۱۴ سوره فتح آمده^۱: پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از جنگ اُحُد و احزاب با ۱۴۰۰ نفر به قصد عمره به سمت مکه خارج شد و وقتی به نزدیک مکه رسیدند مشرکان مکه تصمیم گرفتند مانع ورود آنها بشوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله در سرزمین حدیبیه توقف فرمود و سفیرانی بین او و قریش رد و بدل شد تا به صلح حدیبیه ختم شد. در یکی از این مأموریت ها عثمان مأمور شد تا این پیام را برساند که پیامبر به قصد جنگ نیامده و

^۱ تفسیر نمونه / ذیل آیات مذکور